



THE KALAPA COURT

پاسخ به خورشید طلایی

به جامعه‌ی بی‌باک دلاوران شامبالا

سه ماه از روز شامبالا می‌گذرد. از آن زمان تا کنون بسیاری از شما همچنان دارید به نامه‌ی خورشید صبح پاسخ می‌دهید. من لذت بردم، خیلی تحت تاثیر قرار گرفتم و خیلی دلشاد و امیدوار شدم از این که چه تعداد از شما جان کلام گفته‌ی مرا که در نامه‌ام بیان کرده‌ام، دریافته‌اید. آنچه که در پاسخ‌های شما خیلی واضح و روشن است این است که اهمیت و همچنین اشتیاق عمیقی در دیدگاه مشترک ما، نسبت به آینده‌ی شامبالا و دنیا وجود دارد.

همانطور که از نامه‌ام متوجه شده‌اید، همین سه سوال در طی این عزلت‌نشینی یکساله‌ی مدیتیشن با من بودند. ما چگونه خوبی ذاتی را در زندگی خود، آرمان شامبالا و در دنیا به کار می‌بریم؟ اکنون می‌خواهم نظر خودم را در مورد اینکه ما به عنوان یک جامعه چگونه می‌توانیم در این زمینه اقدام کنیم و پیش برویم بیان کنم.

به طور کلی احساس می‌کنم جامعه‌ی ما در مرحله‌ی حساسی قرار دارد؛ و دنیا نیز همینطور. شخصاً احساس می‌کنم خودم هم در وضعیت حساسی هستم. همه‌ی اینها در یک نقطه‌ی حیاتی با هم تلاقی می‌کنند، اینکه ما چطور می‌توانیم شخصا و به طور جمعی و جهانی، خوبی ذاتی را به عنوان اصلی انسانی برای آینده خودمان در بیاوریم؟ آیا می‌توانیم اعتماد و اطمینان، و شهامت و شجاعت خود را در جهت بنیان نهادن جامعه‌ای روشن شده برانگیزیم؟

احساس می‌کنم این دو موضوع (خوبی ذاتی و جامعه‌ی روشن‌شده)، بطور دایم در صفحات نامه‌های شما طنین‌انداز بودند. به نظر می‌رسد که خوداندیشی همگانی‌ای با این مضمون که طبیعت و ذات انسانی چیست، در همه‌ی جهان شکل گرفته است. ما باید این توانایی را پرورش دهیم تا دنیایی بهتر بوجود بیاوریم. به خاطر همین نکته‌ی مهم است که من به تعالیم و آموزش‌های دوره درادول ایمان و اعتقاد دارم. پاسخ او جان کلام رسالت شامبالاست.

همانطور که درجه درادول سال‌ها پیش گفت «کلید آینده در دستان ماست.» معتقدم او می‌خواست بگوید که روزی خواهد رسید که ما به عنوان شامبالایی‌ها باید خوبی ذاتی را به طور علنی ابراز کنیم. اگر ما این حقیقت پویا را، همانقدر پرتوان و با همان فصاحت و بلاغتی که در آموزه‌ها و تعالیم شامبالا هست به جامعه‌ی انسانی اعلام کنیم، در واقع می‌توانیم آینده‌ی آن را مساعدت و هدایت کنیم. با تامل بر رسالت شامبالا دریافتم که جاری کردن پیام خوبی ذاتی و جامعه‌ی روشن‌شده در این جهان، تنها منظور آن است.

جایی در سیر تکامل فرهنگی ما، جامعه‌ی انسانی تردیدی فراگیر نسبت به ارزش‌های مان به عنوان موجودات زنده در ما ایجاد کرد. علاوه بر این ما داریم توانایی و قابلیت زیستی بشر برای ایجاد جامعه‌ای خوب برای خودمان را هم زیر سوال می‌بریم. به دلیل شک و تردید بنیادی‌ای که در قلب انسان‌ها وجود دارد ما محیط اطراف و همدیگر را مورد سوء استفاده قرار می‌دهیم. بر اساس گفته‌های درجه درادول در این زمان است که اطمینان به نیکی ذاتی درون‌مان باید تبیین و تشریح شود.

با این همه بی‌اعتمادی سیاسی-اجتماعی و نقش نومیدانه‌ی همه‌ی ما در بقای این فرهنگ شک و شبیه و مادی‌گرایی، نیکی چگونه می‌تواند به آداب و رسوم انسانی ما بازگردد؟ با وجود این نیاز و آرزو برای داشتن دنیایی واحد، دسته‌بندی‌های قومی و فرهنگی بسیاری در دنیا وجود دارد. در پرتو احتمال وقوع این حوادث به ظاهر سخت و ناخوشایند، ما به عنوان یک شامبالایی چه کار می‌توانیم بکنیم؟

باور دارم که اولین کاری که می‌توانیم انجام دهیم این است که در جامعه‌ی خودمان مفاهیم خوبی و جامعه‌ی روشن‌شده را نشان دهیم و متجلی سازیم. باور دارم که زمان آن رسیده که در فهم معنوی‌مان نشانه‌هایی ملموس از مهربانی و دلاوری را نشان دهیم. جامعه‌ی ما باید پرتو نوری برای روحیه‌ی عالی، نیکی و شهادت باشد. در این راستا مایلم دو مراسمی که الهام‌بخش این دیدگاه شامبالا هستند و آن را تعالی می‌بخشند را معرفی کنم.

من احساس کردم نیاز شدیدی وجود دارد که افراد بتوانند تعهد و شهادت‌شان را به آرمان شامبالا ابراز کنند. در طول دوره عزلت‌نشینی‌ام، دو سوگند در پاسخ به این نیاز تنظیم کردم. مورد اول، سوگند شامبالاست که این امکان را می‌دهد که هر کسی که تمایل دارد، اعلام و تصدیق کند که نیکی ذاتی طبیعت انسان است. به عنوان یک شامبالایی ما اغلب راجع به نیکی ذاتی صحبت می‌کنیم، اما هیچ‌گاه این فرصت را نداشته‌ایم که سوگند یاد کنیم و تعهد کنیم و آشکارا اطمینان و ایمان خود به این هدیه‌ی سحرآمیزی که در اختیار داریم را تصدیق کنیم.

دومین مورد، سوگند جامعه‌ی روشن‌شده است. جوهره‌ی این سوگند این است که ما به عنوان یک شامبالایی به نیکی ذاتی فقط به عنوان طبیعت انسان نگاه نمی‌کنیم. بلکه، ما نیکی ذاتی را به عنوان

طبیعت خود جامعه می‌بینیم. جامعه در واقع مانند موجود زنده‌ی بزرگی است که همواره در حال ارتباط برقرار کردن و ابراز نیکی خود است.

جامعه‌ی روشن‌شده تنها رویایی از یک جامعه‌ی آرمانی نیست. جامعه‌ای است که به اساسی‌ترین اصل بشریت بیدار شده است. هرچند انسان و جامعه می‌توانند بی‌رحم و مخرب باشند، تعالیم شامبالا باور دارد که این، ذات و طبیعت آنها نیست و از آن حمایت می‌کند. بنابراین سوگند جامعه‌ی روشن‌شده، لحظه‌ی نیرومندی است که همه شامبالایی‌ها همراه با هم نیکی ذاتی را تصدیق می‌کنند. با این سوگند و تصدیق همگانی، اصل نیکی ذاتی تأثیری باور نکردنی بر جامعه و بشریت دارد. وقتی بر این مسئله تأمل می‌کنیم که جامعه‌ی مدرن ما همواره به ما یادآوری می‌کند که بشریت به خطا رفته متوجه می‌شویم که چنان لحظات اشتباهی هزاران واکنش بی‌انتها برای جامعه‌ی ما در برخواهد داشت.

یکی از زمینه‌های مهم در سوگند جامعه‌ی روشن‌شده، دلاوری است. این سوگند نشان‌دهنده‌ی این است که در آن لحظه با وجود احتمالات غیر ممکن، ما به روشنی بیان می‌کنیم که می‌خواهیم و آماده هستیم که برای رسیدن به یک جامعه‌ی بزرگ‌تر همراه با نیکی، بطور خستگی ناپذیر تلاش کنیم. بنابراین وقتی افراد این سوگند را ادا می‌کنند، به عنوان یک دلاور شناخته می‌شوند. مفهوم دلاوری، نشانی از راه شامبالا است.

از شما دعوت می‌کنم که در ادای این سوگندها شرکت کنید و آنها را جشن بگیرید. هرچند موضوعات ساده‌ای را بیان می‌کنند، اما محوری نیز هستند. ادای این سوگندها توسط ما به عنوان شامبالایی‌ها، نه فقط به شفافیت چشم‌اندازی که داریم کمک می‌کند، بلکه به ما نیروی بیشتری می‌دهد که خود را وقف آرمان دودمان شامبالا کنیم.

از این رو می‌خواهم این سوگندها را در گردهم‌آیی برداشت صلح^۱ پاییز امسال برای اولین بار ارایه کنم. امیدوارم که به این سوگندها، نه به چشم یک وظیفه، بلکه به چشم یک جشن و نکوداشت نگاه شود. برای همین امید دارم که همه‌ی شامبالایی‌ها بتوانند در این آخر هفته، که می‌خواهم آن را فستیوال دودمان شامبالا بنامم، در مراکز خود دور هم جمع شوند.

نکوداشت گروهی این سوگندها - با گفتگو و همکاری - فرصتی دست خواهد داد برای ژرف‌تر کردن درک ما از دو مقوله‌ی بسیار مهم. شما را تشویق می‌کنم که در مراکزمان دور هم جمع شوید، و از صرف غذا در خانه‌هایتان لذت ببرید، و بر این دو مقوله‌ی مهم زمانه‌ی ما تعمق کرده و به گفتگو بنشینید.

¹ Harvest of Peace

من همچنین برای نکوداشت و تقویت درک‌مان از نیکی ذاتی و جامعه‌ی روشن‌شده، شرحی بر جامعه‌ی روشن شده نوشته‌ام. می‌خواهم در قسمتی از فستیوال بخشی از آن نوشته را با شما که نسبت به این موضوع کنجکاو و علاقمند هستید به اشتراک بگذارم.

نیکی ذاتی و جامعه‌ی روشن شده، مقولاتی هستند که همواره به عنوان بخشی از فرهنگ شامبالا عرضه شده‌اند. احساس می‌کنم که اگر ما به عنوان شامبالایی‌ها حقیقتاً معنای آنها را درک کنیم - نه‌آدینه‌شان کنیم و با انگیزه‌ها و دل‌نگرانی‌های‌مان کار کنیم - جامعه‌ای قوی‌تر و پویاتر خواهیم داشت.

من همواره مبهوت بوده‌ام که چگونه شخص زیرکی مانند دورجه درادول چنین مقولات ساده اما بحث‌برانگیزی را در پاسخ به مشکلات زمانه‌ی ما ارایه کرده است. بدون شک او بسیار نگران انسانیت بود و به آینده‌ی آن می‌اندیشید. از این رو، وقت آن است که ما پیام حقیقی نهفته در این درس‌های عمیق و پرمحتوا را بفهمیم. اگر جامعه‌ی ما بتواند حتی برای یک لحظه دور هم جمع شود و بر این موضوعات تأمل کند و آنها را نه‌آدینه کند، تغییر بزرگی را تجربه خواهیم کرد که به ما اجازه خواهد داد سطح بالایی از اعتماد به نفس را تجربه کنیم، و در نتیجه کمک‌مان خواهد کرد که آینده‌ی انسانیت را تغییر دهیم.

آموزه‌های دورجه درادول به وضوح بر اهمیت از بین بردن مرز میان انزوای طلبی معنوی و آزادی انسانی تأکید می‌کند. ما باید اکنون به دنیای بزرگتری از انسانیت قدم بگذاریم. پیام شجاعانه و بحث‌برانگیز شامبالا این است که قلمرو جدید بیداری معنوی، همانا خود جامعه است.

اما اگر قرار است که شامبالا برای این دنیا سطحی از بیداری را به ارمغان آورد، جامعه‌ی شامبالا باید مطمئن، مهربان و هوشمند باشد. باور دارم که این خصوصیات ما را در موقعیتی عالی قرار می‌دهد که بتوانیم به بیشمار روش ممکن به جهان فایده برسانیم. جامعه‌ی شامبالای ما بطور روزافزون از تنوع بیشتری برخوردار می‌شود. آمیختگی این تنوع با باور یکدل و یک‌جهت به نیکی ذاتی، عزمی به وجود می‌آورد که هم نیرومند و هم انعطاف‌پذیر است.

من این عزم را در نامه‌نگاری‌ای که با هم داشتیم احساس کردم. خیلی از شما از اهمیت این موضوع سخن گفتید که این نامه‌نگاری‌ها، هم فرصت خوبی بود برای دوباره نگاه کردن به خودمان و انگیزه‌های‌مان، و هم به چالش‌کشاننده بود. برای خود من، مهم‌ترین نقطه‌ی عطف بود، در درک اینکه شما به عنوان اعضای این گروه بزرگ چه احساس و افکاری دارید.

بعد از عزلت‌نشینی‌ام، احساس تعهد و نیروی دوباره‌ای می‌کنم. همچنین، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌کنم که مسئولیت بزرگی که از طرف پدرم بر دوش من گذاشته شده فرصتی مهم و گرانبها است. و نیز، احترام تازه‌های برای چالش‌های پیش روی‌مان قایلیم، چه، این چالش‌ها تار و پودی هستند که به واسطه‌ی آنها دلاوری ما محک خورده و شکل می‌گیرد. بیش از هر زمان دیگری مشخص شده که

راه دلاوری در شامبالا و ساختن جامعه‌ی روشن‌شده اساساً آنجا معنی می‌یابد که ما مشتاق باشیم که به سختی تلاش کنیم، و بدانیم که هیچ چیز به خودی خود اتفاق نمی‌افتد.

درالاها از لحظه‌ی حاضر دلشادند و با هم آنچه اکنون هست، به پیش می‌روند. از این رو، همچنان که باد می‌وزد، یا وقتی که زانوی‌مان را به جایی می‌کوبیم، یعنی دنیای بزرگ تقدس و پاکی دارد سعی می‌کند که ارتباط برقرار کند. درهرزمان، تنها بسته به خودمان است که بیدار شویم، حتی وقتی که خسته هستیم. این دودمان بزرگ شامبالا، به ما نوعی درک از زندگی را انتقال داده است. اعتماد به نیکی ذاتی چیزی بیشتر از این نیست که مشتاق باشیم با آسیب‌پذیری قلب‌مان بنشینیم. اگر ما شهامت و آسودگی آن را داشته باشیم که فقط باشیم، خرد زمان‌های سه‌گانه و ورای آن، مثل یک گل بهاری در پیش روی‌مان ظاهر خواهد شد.

با این حساس‌بودن و گشادگی فوق‌العاده است که ما، زیبادلاوران شامبالا، نباید بگذاریم که این دنیای تردید، زمینی که روی آن ایستاده‌ایم را در خود ببلعد. پرچم پیروزی نیکی، با جفا بر دنیا به اهتزاز در خواهد آمد. بلکه زمانی اتفاق خواهد افتاد که با انسانیت خود باری از دوش این جهان برداریم. وقتی خودمان را از دنیای دو بعدی این و آن رها کنیم، دانه‌های عالمگیر خرد بعد جدیدی از بیداری را خواهند گشود، که در آن، همواره با جزر و مد نیکی فراگیر، همساز خواهیم بود. این زمانی اتفاق خواهد افتاد که قلب‌مان را احساس کنیم و اجازه دهیم که نیروی خودبرانگیزاننده‌ی نیکی ذاتی با ما ارتباط برقرار کند.

پس بر سر این دوراهی سرنوشت‌ساز، چشم به راهم که همراه شما، دست در دست، بسوی طلوع جدید نیکی قدم برداریم.

با عشق و سپاس عمیق

قوی باشید، مهربان باشید، نیک باشید*

ساکیانگ

*

این است جواب سوال‌های سه‌گانه‌ی: چگونه نیکی ذاتی را در زندگی‌مان، در آرمان شامبالا، و در دنیا بکار خواهیم گرفت؟

نوشته شده در بولدر، در روز وایشاکا، روز تولد بودا، ۱۵ جون ۲۰۱۱